گفت‌وگو
جعفر برزگر

رضا دهشیری | جوان

گفت‌وگوی تفصیلی «جوان» با مالک شریعتی، رئیس جبهه تحول‌خواهان انقلابی

مردم می‌پرسند «چه گلی به سر ما می‌زنید» و پاسخ به آن مشارکت را تعیین می‌کند

بهارستان در ایستگاه یازدهم مسافرانی را سوار کرد که قبلاً کمتر نامی از آنان شنیده شده بود؛ جوانان گام دوم انقلاب اسلامی که بعد از فعالیت در اندیشکده‌ها، مراکز پژوهشی و رسانه‌ای وارد عرصه حکمرانی شده بودند و ردایی را پوشیدند که مدعای تحول داشتند؛ تحولی که باید در راهبردها و سیاست‌ها رخ می‌نمود. مالک شریعتی یکی از همین جوانان مجلس یازدهم است. حالا در سال آخر مجلس یازدهم مقابل او نشسته‌ایم تا باهم از تجربه بهارستان گپ بزنیم و هم اینکه در مورد انتخابات مجلس دوازدهم از او پرسش‌های‌مان را طرح کنیم که در این بخش از سؤالات، او را بیشتر در قامت رئیس جبهه تحول‌خواهان دیده‌ایم. مهم‌ترین بخش این گفت‌وگو شاید آنجا باشد که در مورد شفافیت از شریعتی پرسیدیم و او جواب‌های صریحی داد. اینکه بی‌تجربگی مجلس یازدهم و برخی موافقان تند و تیز شفافیت در میانه راه به هر دلیلی ترجیح دادند از قطار شفافیت خارج شوند- البته بدون سروصدا- که یکی از پروژه‌های کلان مجلس یازدهم بود؛ سکوتی طولانی در مقابل این سؤال که آیا نیت همه در پیگیری طرح شفافیت صادقانه بود که حرف‌های بسیاری در آن نهفته است.

مجلس یازدهم در سال پایانی فعالیت خود قرار دارد. این مجلس فرازونشیب‌های مختلفی داشته و در شرایطی تشکیل شد که نیروهای جوان زیادی وارد آن شدند. جریان اصولگرایی نیز ذیل عنوان شورای ائتلاف توانست اکثریت را به دست بیاورد. ارزیابی و تحلیل شما از عملکرد مجلس یازدهم و نقاط قوت و ضعف آن چیست؟

در خصوص مجلس یازدهم چند ویژگی برجسته است. برخی از این ویژگی‌ها به صورت اختصاصی متعلق به مجلس یازدهم و برخی نیز ناظر بر مجالس قبل است که در این مجلس هم وجود دارد. در مورد مجلس اول باید به مسئله روش قانونی انتخاب نماینده‌های مجلس توجه کرد. نمایندگان مجلس عمدتاً به صورت محلی انتخاب می‌شوند. در واقع حوزه‌های تک نماینده یا دو نماینده شرایط را عملاً به گونه‌ای رقم می‌زنند که بیش از دوسوم نمایندگان با مطالبات محلی و خرد مردم انتخاب می‌شوند و رأی می‌آورند، بعد هم متعهد به پاسخ‌دهی به آن مطالبات هستند. این مسئله در قبال مجالس هم حُسن است و هم ایراد محسوب می‌شود. از این جهت حُسن است که نمایندگان نزدیک‌ترین فرد در حاکمیت به مردم هستند. در بین مقامات ارشد کشور مردم به نماینده حتی بیشتر از فرماندار شهر خود دسترسی دارند، چون نماینده مستقیم با رأی مردم انتخاب می‌شود و به مجلس می‌رود و عملاً باید پاسخگوی نیازهای آنها باشند، چون اشکالاتی در مسئله پاسخگویی به نیازهای خرد و مشکلات جزئی مردم وجود دارد، معمولاً مطالبات خود را از نمایندگان می‌خواهند. با این وضعیت نمایندگانی که به صورت محلی انتخاب می‌شوند، خیلی فرصت نمی‌کنند برای موضوعات ملی وقت بگذارند، از این جهت آسیب به مجلس وارد می‌شود. این نکته به این معنا نیست که موضوعات محلی اهمیت ندارند. نکته این است که وظیفه نماینده قانونگذاری و نظارت است و قانونگذاری هم برای عموم مردم کشور است و پیگیری مسائل خرد جزو وظایف نماینده نیست، اما طبیعتاً مجلس یازدهم هم از این امر مستثنی نبوده و بخش زیادی از وقت و توان نمایندگان هم برای این مسئله صرف شده است. برای رفع این نقیصه اصلاح قانون انتخابات ضرورت دارد تا نمایندگان به صورت ملی و با دغدغه‌های ملی انتخاب شوند، البته ارتباط نماینده با مردم هم باید حفظ شود. همچنین در این زمینه احزاب هم موضوعیت دارد. تا احزاب لیست نمایندگان خود را در یک بسته کلی و با دغدغه‌های ملی نهایی و به مردم معرفی کنند و یک برنامه کلان برای پاسخ‌دهی به نیازهای اساسی کشور داشته باشند. همچنین قانون انتخابات شوراها نیز باید اصلاح شود تا جایگاه مدیریت شهری و پارلمان‌های شهری که شوراهای شهر هستند، تقویت شود تا مسائل خرد را که وظایف آنهاست، پیگیری کنند و این بار از دوش نمایندگان مجلس برداشته شود. اگر این سه اصلاحیه انجام شود، بخشی از این مشکل رفع خواهد شد، البته اصلاحات خوبی در قانون انتخابات مجلس انجام شد، اما این اصلاحات کامل نبود، بنابراین مجلس بعدی حتماً در همان سال‌های اول قبل از اینکه زمان انتخابات بعدی برسد، باید به این مسئله ورود کند و مبتنی بر سیاست‌های کلی نظام، قانون انتخابات مجلس را از این جهت اصلاح کند. ویژگی دوم که باز ناظر بر همه مجالس ماست، بحث نظارت بر رفتار نمایندگان است. خب در این زمینه قانونی از قبل تهیه شده بود. این قانون البته قانون جامعی نیست و این مسئله جزو نقاط ضعف مجالس است. مجلس یازدهم هم از آن مستثنی نیست. فرد وقتی نماینده و اعتبارنامه‌اش تصویب می‌شود، تقریباً برای خود یک حالت مصونیت از خطا احساس می‌کند، البته این مسئله با مصونیتی که در قانون اساسی برای عمل به وظایف قانونی نماینده وجود دارد، متفاوت است. قانون فعلی به دلیل تعارض منافعی که نظارت نمایندگان بر خود ایجاد کرده است، چندان پاسخگو نیست. رهبری هم چند سال پیش فرمودند که یک «کارکی» انجام شد در دیدار آخری هم که خدمت‌شان بودیم، خود آقای قالیباف در گزارشی گفتند این کار را ما باید انجام دهیم و این ضعف مجلس است. حالا امیدواریم بعد از بحث بودجه، این قانون هم اصلاح شود تا از مجلس یازدهم به یادگار بماند. یک ویژگی مجلس یازدهم که مختص خود این مجلس است، همین یکپارچگی جریان سیاسی در آن است. تقریباً بالای ۲۲۰نفر از نمایندگان مجلس با معرفی شورای ائتلاف انتخاب شدند و برخی دیگر هم که نماینده شدند، جدا از این گفتمان نبود و بعد به فراکسیون اکثریت مجلس پیوستند و ما عملاً یک فراکسیون ۲۴۰نفره داشتیم. در انتخابات آخر هیئت رئیسه مجلس ۲۴۰نفر شرکت داشتند. این یکدست‌بودن مختص این مجلس است. این مسئله هم خوبی دارد و هم اینکه ممکن است آسیب‌هایی به بار بیاورد. مزیت آن این است که در چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های کلان مجلس یکدست بودیم و در این زمینه دست‌اندازی نداشتیم. در مسائل سیاست خارجی و مسائل کلان راهبردهای نظام را دنبال کردیم. مجلس مشکلی از این جهت نداشت و در هماهنگی‌های کلان توانست کار را جلو ببرد، اما در حوزه جریان‌های سیاسی یک اشکالی ایجاد کرد و آن هم این بود که وقتی جریان اکثریت مجلس هیچ احساس خطری از یک جریان اقلیت قوی نکند، خرده‌جریان‌های سیاسی در آن مجلس رشد می‌کنند و با یکدیگر دچار تعارض می‌شوند و این امر در مجلس یازدهم اتفاق افتاد. این مشکل باعث تقویت جریانات قومی و منطقه‌ای در مجلس شد. بر همین اساس بعضی جریانات قومیتی در مجلس یازدهم در برخی موضوعات نقش‌آفرین شدند. یکی از ویژگی‌های مجلس یازدهم، «مسئله‌محوری» و برنامه داشتن است. در بسیاری از موضوعات، مجلس برنامه از پیش‌تعیین‌شده داشت و آن هم به این جهت بود که نگاه جریانی یکدست در مجلس حاکم بود و می‌شد این برنامه‌ها را دنبال کرد. همان قانون اقدام راهبردی از همین موارد بود که در حوزه سیاست خارجی وجود دارد. مثلاً ما قبل از ورود به مجلس اولویت‌های حوزه انرژی را مشخص کردیم و حتی سال دوم هم ارزیابی‌ای ارائه شد که در این برنامه‌ها چه میزان پیشرفت داشتیم. این هم مرتبط با یکی از ویژگی‌های دیگر مجلس یازدهم است که در این مجلس سطح قابل قبولی از اعضای هیئت علمی و افراد با تجربه پست‌های کلان مدیریتی مثل وزارت وجود داشت و جوان‌ترهای تحصیلکرده هم وارد مجلس شدند. این وضعیت به پیگیری برنامه‌های کلان کمک کرد.

یکی از ویژگی‌ها و تمایزات مجلس یازدهم نسبت به مجالس گذشته این است که در این مجلس ایده جوان‌گرایی به صورت گسترده عملیاتی شد و ما با طیفی از جوانان روبه‌رو بودیم که وارد مجلس شدند. برخی نقدهایی به این جوان‌گرایی وارد کردند و معتقد بودند در این زمینه به نوعی تند رفتیم. ارزیابی شما از این مسئله در مجلس یازدهم چیست؟ به نظر شما تجربه موفقی بود یا اینکه چندان نمی‌توان به این تجربه امیدوار بود؟

جوان‌گرایی از این منظر که نشاط و شور جوانی در مجلس تزریق شد، خوب است، البته همه می‌دانیم که طبق قانون افراد زیر ۳۰سال نمی‌توانند وارد مجلس شوند. فرد ۳۰ سال به بالا هم خیلی جوان نیست، البته در مجلس جوان محسوب می‌شود چراکه در مجلس عنصر تجربه عنصر مهمی است. ما برای در نظر گرفتن مسئله تجربه در قانون جدید انتخابات پنج سال سابقه کار اجرایی را قرار دادیم. در مجلس ما در کنار افراد باتجربه به افراد جوان هم نیاز داریم و تلفیق این دو مطلوب است. در سال اول هم که رهبری پیام دادند، از این مسئله به عنوان یکی از ویژگی‌های مجلس یازدهم نام بردند. اگر اشکالی هم است از خود افراد است، یعنی این رویکرد، رویکرد درستی است، اما خود جوان ممکن است اشکالاتی داشته باشد. ممکن است تجربه سیاسی نداشته باشد یا خدای ناکرده احساس کند که مجلس یک سکوی پرشی برای مقام‌های بالاتر است. اصل رویکرد جوان‌گرایی رویکرد درست و مطلوبی است، اما باید در شناخت، انتخاب و نظارت جریانی دقت بیشتری کرد.

رهبر معظم انقلاب ابتدای امسال در مورد انتخابات مجلس دوازدهم به چهار مؤلفه مشارکت، رقابت، سلامت و امنیت اشاره کردند. به نظر شما برای تحقق مشارکت و رقابت در انتخابات که رهبری مجدداً در دیدار با مردم کرمان و خوزستان بر مشارکت قوی و رقابت واقعی تأکید کردند، چه کارهایی می‌شود انجام داد؟

در مورد مسئله مشارکت به نظر من بخشی از آن به رقابت و بخشی هم به عناصر دیگر بستگی دارد. با مرور سوابق انتخابات در جمهوری اسلامی می‌شود به این ارزیابی رسید که مهم‌ترین مؤلفه شرکت مردم در انتخابات عنصر رضایتمندی است. عنصر اصلی در رضایتمندی یا عدم‌رضایت هم، عملکرد مسئولان است؛ اینکه مسئولان چه عملکردی دارند و پیش‌بینی اینکه در آینده چه عملکردی خواهند داشت، یعنی اینکه مردم می‌گویند چه گلی بر سر ما زدید و چه گلی خواهید زد. ما در همه ادوار حاکمیت جریان‌های مختلف سیاسی، مشارکت بالا یا پایین داشتیم، اما آن‌جاهایی که مشارکت خیلی پایین بود، اتفاقاً رقابت کامل سیاسی وجود داشت. نمونه آن انتخابات شورای شهر دوم بود. در این انتخابات شورای نگهبان ورودی نداشت و نظارت با مجلس وقت بود و همه سلایق در انتخابات حضور حداکثری داشتند و حتی نهضت آزادی هم فهرست داد، اما مردم چقدر شرکت کردند؟ ۱۱درصد! بنابراین تنها عنصر مشارکت، رقابت نبود، تنوع بود اما مردم مشارکت نکردند، چون دعوای شورای شهر اول مردم را ناراضی کرده بود. مهم‌ترین مؤلفه مشارکت رضایت مردم از عملکرد مسئولان است و اینکه نسبت به آینده امید داشته باشند. نکته دیگر مسئله سلامت انتخابات است. یک بخشی از این سلامت به ناظران و مسئولان برگزاری انتخابات مرتبط است اما یک بخشی هم به سلامت کاندیداها مرتبط است. نمی‌شود انتظار داشت افرادی که سابقه فساد دارند، وارد فضای انتخابات شوند. افراد فاسد در همه جریان‌های سیاسی هم وجود دارند. این امر اتفاقاً برعکس عمل می‌کند و مردم با ورود این افراد به صحنه انتخابات بی‌اعتماد می‌شوند و مشارکت کاهش پیدا می‌کند. از منظر رضایتمندی مردم در شرایط کنونی وضعیت ما هم خوب است و هم بد. به این معنا که وقتی در لحظه نگاه می‌کنیم، وضعیت معیشتی و تورم نقطه‌ای ما مطلوب نیست و کارهای عقب مانده بسیار زیاد است، اما رویکردها اصلاح شده و همین که نرخ تورم روند کاهشی پیدا کرده، نشان‌دهنده این امر است. همانند بیماری که کامل بهبود پیدا نکرده ولی روند او به سمت بهبودی است، اما من امیدوارم مشارکت کمتر از انتخابات قبلی نشود و بیشتر باشد. آمار پیش‌ثبت‌نام‌ها هم نشان‌دهنده همین امر بود.

> **با مرور سوابق انتخابات در جمهوری اسلامی می‌شود به این ارزیابی رسید که مهم‌ترین مؤلفه شرکت مردم در انتخابات عنصر رضایتمندی است. عنصر اصلی در رضایتمندی یا عدم‌رضایت هم، عملکرد مسئولان است؛ اینکه مسئولان چه عملکردی دارند و پیش‌بینی اینکه در آینده چه عملکردی خواهند داشت، یعنی اینکه مردم می‌گویند چه گلی بر سر ما زدید و چه گلی خواهید زد**

مسئله پیش‌ثبت‌نام‌ها را مطرح کردید، اجازه دهید سؤالی هم در همین زمینه بپرسم. اصلاح‌طلبان به این مسئله خیلی نقد وارد کردند و تا همین امروز هم این نقدها ادامه دارد. آنها معتقد بودند این امر به مسئله انتخابات لطمه زد و بازی سیاسی برای محدودکردن اصلاح‌طلبان بود. نظر شما در این زمینه چیست؟

بر اساس صحبت‌هایی که قبلاً می‌کردند من انتظار داشتم حداقل به دو دلیل از این قانون جدید استقبال کنند. دلیل اول اینکه پیش‌ثبت‌نام، زمان فعالیت‌های اجرایی و نظارتی را باز می‌کند که با دقت عمل کنند. دیگر مسئله اینکه احتمال دارد «عدم‌احراز» بسیار کم شود، در حالی که قبلاً به دلیل محدودیت زمان این امر را زیاد داشتیم و عملاً با این کار و نیز الزام شورای نگهبان به اعلام مستندات ردصلاحیت به افراد، حق‌الناس کمتر خدشه‌دار می‌شود. نکته دیگر اینکه با زیاد شدن زمان، عملاً فرصت برای احزاب ایجاد شده که برنامه‌ریزی کنند و به دور از فضای هیجانی وارد انتخابات شوند. جریان غرب‌گرا که همیشه کشورهای غربی را مثال می‌زند، باید دقت کند که در امریکا فرایند انتخابات ۱/۵سال زودتر شروع می‌شود. نمی‌خواهم بگویم آنها هر کاری کردند درست است بلکه می‌گویم دوستانی که غرب را الگوی خود قرار می‌دهند، حداقل به این موارد هم توجه کنند. من فکر می‌کنم مشکل این دوستان مسئله دیگری است. جریان غرب‌گرا همواره با یک فرایند ناز و نیاز و چانه‌زنی به دنبال امتیاز گرفتن و بازی سیاسی بود که این قانون این بازی سیاسی را به هم زد. این افراد ثبت‌نام در انتخابات را گرو می‌گرفتند تا از نظام امتیاز بگیرند که این سیاسی کاری به هم خورد، وگرنه اگر کسی در پیش‌ثبت‌نام، ثبت‌نام می‌کرد هزینه‌ای نداشت و می‌توانست بعداً انصراف دهد. آمارها هم نشان می‌دهد جریانات متنوع سیاسی در انتخابات شرکت کردند و این افراد فقط غر سیاسی می‌زنند.

شما دبیرکل جمعیت رهپویان انقلاب اسلامی هستید و در ائتلاف با جمعیت جانبازان و جمعیت ایثارگران، جبهه تحول‌خواهان انقلابی را تشکیل داده‌اید. راهبردهای انتخاباتی شما در انتخابات پیش‌رو چیست؟

ما جمعیت ایثارگران، جمعیت جانبازان و جمعیت رهپویان از ۱۰سال پیش جبهه‌ای تشکیل دادیم که در مقاطع مختلف فعالیت خود را انجام داده و در طول سال هم این احزاب فعالیت خود را انجام می‌دهند. ما هم به عنوان جبهه تحول‌خواهان انقلابی در سپهر سیاسی ایران شناخته می‌شویم که عمدتاً چند کلیدواژه را مدنظر داریم؛ بحث عقلانیت انقلابی و تحول‌خواهی، ضمن اینکه اصولگرا هستیم، اما باید در روش‌ها تحول‌خواه باشیم و این را ضرورت انقلاب می‌دانیم. رهبری بارها فرموده‌اند امام خمینی(ره) امام تحول است. بحث عدالت‌طلبی و آزادی‌خواهی هم از دیگر موضوعات مورد توجه ماست. در ادوار مختلف همواره موضوعات مبارزه با فساد را مدنظر قرار دادیم. با همین رویکردها اخیراً جبهه را فعال کردیم. اول اینکه یک ارزیابی از شرایط کشور داشتیم و دوم اینکه یک ارزیابی از نمایندگان فعلی مجلس بر اساس معیار و شاخص‌هایی که طراحی کردیم انجام می‌دهیم. ما شش دسته شاخص کلان گذاشتیم؛ اعتقادی، اخلاقی، تشکیلاتی، تخصصی و عملکردی، شخصیتی و سیاسی که بر این اساس، افراد جدید را هم ارزیابی می‌کنیم. یک بخشی از ارزیابی سلبی و بخشی هم ایجابی است. ذیل این شش شاخص ۴۳شاخص جزئی‌تر هم طراحی کردیم. ما در بررسی خودمان هیچ فردی را که شائبه فساد هم داشته باشد، مورد توجه قرار نمی‌دهیم. مسئله ساده‌زیستی، شفافیت و کارآمدی برای‌مان مهم است و به این شاخص‌ها وزن بالایی می‌دهیم. همین اخیر هم ستاد انتخابات جبهه تحول‌خواهان را ایجاد کردیم.

به نظر شما وحدت در جریان اصولگرایی این دوره چه سرنوشتی خواهد داشت؟ به وحدت حداکثری خواهند رسید یا اینکه شاهد لیست‌های مختلفی خواهیم بودیم؟

ما تجربه خوبی از رقابت درون جریانی نداریم. در این زمینه می‌توانیم به انتخابات مجلس نهم نگاه کنیم که یک رقابت درون‌جریانی شکل گرفت. وقتی رقابت درون‌جریانی شکل بگیرد، نمی‌توانیم آرمان‌گرایانه تحلیل کنیم. خیلی نمی‌شود جلوی تخریب و ایجاد شکاف‌های درون‌گفتمانی را گرفت. در مجموع رقابت درون‌جریانی به صلاح جریان انقلاب نیست. من در مجموع وحدت و انسجام را بهتر می‌دانم، حالا ممکن است یک زمانی به وحدت حداکثری دست پیدا نکنیم، ولی در وضعیت وحدت نسبی باشیم، اما راهبرد ما باید تحقق وحدت باشد و به این سمت حرکت کنیم. رقیب هم داریم و جریان رقیب هم کاندیدا دارد و در انتخابات مجلس یازدهم هم جریان رقیب حضور داشت، در تهران لیست دادند و در انتخابات شرکت کردند. امسال هم ان‌شاءالله انسجام خوبی در جبهه انقلاب شکل بگیرد.

یعنی وحدت دقیقه ۹۰ محقق می‌شود؟

یکی از واقعیت‌ها این است که وقتی همه معیارها و شاخص‌ها بحث می‌شود، خب افراد قانع نمی‌شوند، وقتی قانع نمی‌شوند، به نحوی باید به خروجی برسیم. وقتی این اتفاق می‌افتد، ممکن است از برخی ساختارها عدول شود. ترجیح من این است که روی معیارها پافشاری و تا جای ممکن سلایق را کم کنیم و نگاه آینده‌نگرانه و ملی داشته باشیم. یکی از دلایلی که فهرست تهران نتوانست رهبری جریان سیاسی مجلس را به دست بگیرد، همین وجود اختلاف و شکل‌گیری خرده‌جریان‌ها در داخل فهرست بود. درست است که بستن این فهرست بدنه جریان انقلاب را از سردرگمی خارج کرد، اما به هر حال نتوانست نقش خود را در مجلس به صورت جدی ایفا کند، یعنی مجمع نمایندگان تهران آن جایگاه لازم و پیشرو خود را در مجلس نتوانست ایفا کند. مجلس یازدهم در حوزه تخصصی و کارشناسی خوب و کاملاً فعال عمل کرد و قوانین خوبی مصوب شد و به اندازه چند مجلس کار تقنینی و نظارتی شد، اما مجلس در مسئله جریان‌سازی ضعیف عمل کرد. مجلس در کشور ما همواره علاوه بر قانونگذاری و نظارت قلب تپنده سیاسی کشور و جریان‌ساز بوده، اما مجلس یازدهم نتوانست این کار را انجام دهد. یک بخشی از این مسئله به اختلافات لیست تهران مرتبط است. یک بخشی از این مسئله هم به هم‌سطح‌بودن سیاسی منتخبان مرتبط است که افراد از منظر جایگاه چندان فاصله‌ای از هم نداشتند. یک بخشی از نیروهای قدر و توانمند هم به دولت و شهرداری رفتند. در مجموع مجلس نتوانست از این انفعال سیاسی خارج شود.

چرا هنوز جریان اصولگرایی نتوانسته است به سازوکار مشخصی در مسئله وحدت دست پیدا کند. برخی افراد جریان اصولگرایی هم به این مسئله انتقاد داشتند که کلی سازوکار چیدیم، اما آخر سر نظرات افراد در تصمیم‌گیری نهایی دخیل شد.

چون ساختارها، ساختارهای تشکیلاتی و حزبی منظم نیستند، یکی از ضعف‌های ما در این زمینه ضعف قانون احزاب است. اگر نقش احزاب جای خود را پیدا کند، مسئله عمل به چارچوب درست می‌شود. ثبات تشکیلاتی هنوز در کشور ما وجود ندارد، البته هنوز برای تهران فرصت کافی وجود دارد.

برخی انتقاد دارند بعد از انتخابات ۱۳۹۸ شورای ائتلاف دچار غرور شده است.

استدلال این افراد چیست و باید استدلال خود را طرح کنند.

استدلال این افراد این است که شورای ائتلاف معتقد است همه باید با ما ائتلاف کنند.

این استدلال، استدلال غلطی است. شورای ائتلاف یک عقبه دارد، این دوستان عقبه را عمداً نمی‌گویند. عقبه شورای ائتلاف به انتخابات سال ۱۳۹۶ و رأی ۱۶میلیونی آقای رئیسی مرتبط است. آقای رئیسی با پشتوانه این رأی جلساتی را تشکیل داد و به مرور این جلسات منجر به شکل‌گیری شورای ائتلاف شد و چارچوب و سازوکارهایی طراحی شد، البته همه آن سازوکارها عملیاتی نشد اما معدودی وسط کار انشعاب کردند و الان این حرف‌ها را مطرح می‌کنند. همه دور یک میز بودیم، کسانی به دلایلی میز را ترک کردند و آنها باید به این میز برگردند. برخی تا دیدند حرف خود را نمی‌توانند به کرسی بنشانند از شورای ائتلاف جدا شدند یا اینکه در ذهن خود به دنبال سهم بیشتر بودند. باید اصلاح را از درون انجام داد. ما اگر اعتقاد داریم جریان انقلاب باید یکپارچه عمل کند، این اصلاح را باید از درون آغاز کنیم، نه اینکه برویم بیرون و علم جدایی بلند کنیم. ما یک طرف و شما یک طرف و حالا بیایید با هم مذاکره کنیم. اینکه حرف منطقی نیست، وگرنه شورای ائتلاف خالی از اشکال نیست و ما هم در جلسات اشکالات را طرح می‌کنیم.

> **جریان غرب‌گرا همواره با یک فرایند ناز و نیاز و چانه‌زنی به دنبال امتیاز گرفتن و بازی سیاسی بود که این قانون این بازی سیاسی را به هم زد. این افراد ثبت‌نام در انتخابات را گرو می‌گرفتند تا از نظام امتیاز بگیرند که این سیاسی کاری به هم خورد، وگرنه اگر کسی در پیش ثبت‌نام، ثبت‌نام می‌کرد هزینه‌ای نداشت و می‌توانست بعداً انصراف دهد**

تحلیل شما از کنش انتخاباتی اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس دوازدهم چیست؟

به نظر من آنها دچار اختلافات جدی هستند که این اختلافات متأثر از اتفاقات سال پیش جدی‌تر شد. در اغتشاشات سال گذشته دشمنان ما به روشنی به همه این پیام را دادند که هر کسی در چارچوب نظام باشد، ما قبولش نداریم و افراد باید انتخاب کنند و نمی‌شود وسط ایستاد، بنابراین همه را مورد حمله قرار دادند و فرقی نمی‌کرد آن فرد منتهاالیه اصلاحات است یا جریان اصولگرایی، این پیام روشن اصلاح‌طلبان را دچار اختلافات درونی کرده است. افراد عاقل این جریان معتقد هستند باید در چارچوب نظام کار کنیم و چارچوب نظام هم یعنی صندوق رأی و انتخابات. برخی هم همانند حزب «اتحاد ملت» (بازماندگان مشارکت و سازمان مجاهدین) مشارکت سیاسی در چارچوب نظام را دنبال نمی‌کنند. از طرف دیگر هم طیف رادیکال بدنه خود را از دست داده است. انتخابات مجلس دوازدهم فرقانی بین این دو جریان خواهد بود.

سؤال آخرم را در مورد موضوعی بپرسم که پرسروصداترین موضوع سال اول مجلس یازدهم بود و آن مسئله شفافیت آرای نمایندگان است. بر سر این آرمان مجلس یازدهم در نهایت چه آمد و چرا نتوانستید این وعده خود را عملیاتی کنید؟

واقعیت این است که در این زمینه بی‌تدبیری شد. در دو مقطع بی‌تدبیری شد، با وجود اینکه طرح شفافیت آرا تنها طرحی است که آقای قالیباف به عنوان نفر اول آن را امضا کردند و طراح آن بودند، چون خود بنده امضاها را جمع می‌کردم، به نظرم شاید تجربه‌ای از این حوزه نداشتیم. زمانی برای طرح شفافیت رأی گرفتیم که فردای رد کلیات بودجه دولت روحانی در شرایط کرونا بود و ترکش‌های این مسئله طرح شفافیت را گرفت. شاید اگر با تدبیر این طرح را چند روز دیرتر برای رأی‌گیری وارد صحن می‌کردیم، نتیجه می‌گرفتیم، چراکه کلاً سه تا رأی کم آورد. بعد از آن هم تب شفافیت خوابید و دوستان رفتند سراغ کلیات شفافیت قوای سه‌گانه. در بحث قوای سه‌گانه هم عملاً ۱/۵سال زمان سپری شده که رأی آورده و تمام شده است، اما آن هم با بی‌تدبیری دوم مواجه شد، چراکه بخش‌های اختلافی را نگه داشتیم و همین مانع ایجاد کرد. شاید بهتر بود آنچه محل اختلاف نبود، جلو ببریم، چون مجمع معلوم بود که مخالفت می‌کند. چون اصل ۱۱۲ بود. نمایندگان نمی‌توانند آیین‌نامه مجمع را اصلاح کنند. من پیشنهاد دادم این مسئله اختلافی را از قانون دربیاوریم و بعداً که طرح تصویب و تبدیل به قانون شد، طرح دوفوریتی بگذاریم این ماده الحاق می‌شود که موارد اختلافی با مجمع را هم شفاف کند، اما دوستان نپذیرفتند.

یعنی نیت‌ها صادقانه بود، فقط بی‌تجربگی شد؟

چه بگویم!

از یک مقطعی عده‌ای مخالف شدند.

بله مخالف شدند و خیلی هم بدشان نمی‌آمد که این طرح در همین پیچ‌وخم‌های اداری معطل بماند، البته با پیگیری ما شفافیت داوطلبانه عملیاتی شد و ۲۲۰نماینده آرای خود را در سامانه منتشر می‌کنند، اما خب آن چیزی که می‌خواستیم نشد و مردم قانع نشدند.